

جوانان کمونیست ۶۹

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

جمعه ها منتشر میشود

۲۰ دسامبر ۲۰۰۲

۲۹ آذر ۱۳۸۱



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

آینده از آن ماست!

به ما بپیوندید!

تقریباً دو سال پیش در چنین روزهایی سازمان جوانان کمونیست با انتشار بیانیه زیر اعلام موجودیت کرد. بعنوان شاخصی از رشد سازمان جوانان شاید اشاره به این نکته کافی باشد که امروز پخش نشریه سازمان و یا پیام دبیر آن، بهرام مدرسی، در دانشگاهها و یا مراکز نظیر درکه و کوههای شمال تهران، در دل سرکوبگران رژیم وحشت می افکند. تشکیل سازمان جوانان کمونیست را به تک تک اعضا و دوستان آن، به همه کسانی که برایش زحمت کشیدند، و بویژه به بهرام مدرسی دبیر سازمان تبریک میگوییم. سالگرد تاسیس سازمان فرصتی است تا آنرا در ابعادی وسیعتر جوان ایران معرفی کرد. وقایع دو سال اخیر نشان داد که فراخوان ما امروز با صراحت و روشنی بیشتر و با ضرورتی ده چندان به قوت خود باقی است:



بهرام مدرسی،
دبیر سازمان جوانان کمونیست

ما جهانی میخواهیم که سعادت و رفاه همگانی باشد و آزادی و برابری حقیقی شهروندان منشاء هر تلاش اجتماعی. جهانی انسانی و شایسته بشر امروز. جهانی مملو از شادی و نشاط، جهانی که در آن انسانیت را به بند نکشند و آزادی را سلاخی نکنند. این جهان را باید ساخت.

تاریخ معاصر از یکسو، تاریخ تلاش و مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادی خواه برای تغییر جهان، و از سوی دیگر تاریخ اعمال قهر و سرکوب توسط بورژوازی و دولتها و نهادهای گوناگونش و خشونت ارتجاع لجام گسیخته مذهبی و ناسیونالیستی برای حفظ ارکان وضع موجود است. این جدالی بر سر سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. در این جدال همیشه مبارزه کارگران و سوسیالیسم با آزادی و رفاه تداعی شده است و بیکتازی بورژوازی با فقر و فلاکت و بی حقوقی فردی و اجتماعی.

بیش از نیمی از جامعه ایران را ما جوانان تشکیل میدهیم. سهم بخش اعظم نسل ما، از حاکمیت رژیم منحوس اسلامی بجز سرکوب خشن، محرومیت سیاسی، فرهنگی بیکاری و ناامنی اقتصادی و اجتماعی نبوده است. توقعات و تصویر بویژه این بخش از جامعه را از زندگی، علیرغم دو دهه قرنطینه سیاسی و فرهنگی و رواج روزمره باورهای ارتجاعی، دستاوردها و آرمانهای پیشرو و انسانی بشریت امروز است که شکل میدهد. نسل ما هنوز جنگش را با رژیم اسلامی نکرده است و امروز میرود که پا به این میدان بگذارد. امروز این آرزوهای سرکوب شده ما برای آزادی، رفاه، برابری، برای جامعه‌ای بری از جهل و خرافات سیاه اسلامی پاسخ میخواهند. رژیم اسلامی از مهار مبارزه ما عاجز است. جنبش اعتراضی رو به رشد و بالقوه بسیار عظیم ما علیه نابرابری و بی عدالتی و خفقان و حاکمیت سیاه مذهب، بخشی از نیروی انقلاب آزادیخواهانه طبقه کارگر برای خلاصی مردم و جامعه ایران از بختک رژیم اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است.

سازمان جوانان کمونیست متعلق به سنت مارکس و جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری برای دگرگونی جهان و برپائی یک دنیای بهتر است. ما دشمن استثمار و نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی، فقر و محرومیت، زن ستیزی و بیحقوقی سیاسی و اقتصادی مردم هستیم. ما مذهب و ملیت و خرافه و سنت‌گرایی نمیخواهیم. ما میخواهیم در جامعه‌ای زندگی کنیم که در آن آزادی و برابری حکم کند و عشق به همون مبنای جامعه باشد. ما همه آزادی را میخواهیم و برای تحقق آن به میدان آمده‌ایم. ما برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، نابودی نظام سرمایه داری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران مبارزه میکنیم. به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید و برای برافراشتن هرچه قویتر پرچم سوسیالیسم در صحنه نبردهای آتی متشکل شوید. آینده از آن ماست!

کمیته اجرایی سازمان جوانان کمونیست
۶دیماه ۱۳۷۸ (۲۷ دسامبر ۱۹۹۹)

معلمان: تدارک اعتصاب

دیروز، ۲۷ آذر ۸۱، حزب کمونیست کارگری اطلاع داد که معلمان در تدارک اعتصابند. اطلاعیه حزب نوشت: بدنال تظاهرات و تجمع اعتراضی معلمان در روز جمعه ۲۲ آذر، معلمان برای پیگیری خواسته‌هایشان روز سه شنبه ۲۶ آذر را برای تجمع بعدی خود تعیین کردند. معلمان قرار گذاشته بودند در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کنند. روز سه شنبه از اول صبح نیروی های انتظامی و بسیجی های لباس شخصی سرتاسر خیابان را گرفته بودند و چندین اتوبوس حامل نیروهای ضدشورش در میدان باغ شاه، میدان پاستور و اطراف خیابان ولی عصر مستقر کرده بودند. معلمان بتدریج به محل آمدند ولی حضور گسترده نیروهای انتظامی مانع تجمع آنها شده و مجبور به ترک محل شدند. همچنین روزنامه رسالت چهارشنبه از اجتماع معلمان در برابر مجلس خبرداد. اطلاعیه حزب می افزاید: معلمان برای تداوم اعتراض و پیگیری مطالبات خود عزمشان را سنجیده است. هم اکنون بحث بر سر اعتصاب داغ است و مساله بر سر تعیین زمانی مناسب برای دامن زدن به اعتصابی پر قدرت در میان معلمان جریان دارد. اکنون این رژیم اسلامی است که از حرکت معلمان مرعوب شده است. معلمان باز هم پر قدرت به خیابانها باز خواهند گشت.

۱۷ شهریور "مردم سالار"؟!

صفحه ۳

از مصطفی صابر

کجا ایستاده ایم؟

صفحه ۲

از حمید تقوایی

مایسه جول علیه سنگسار!

از شیوا فرهنگند

دانشجویان سوئد:

دستگیر شدگان را آزاد کنید

بنا به اطلاعیه سازمان جوانان کمونیست مورخ ۲۶ آذر، بدنال تماسهای آزاد خداری مسئول واحد سوئد و مریم طاهری دبیر تشکیلات خارج کشور سازمان ما، ارگانهای دانشجویی مدرسه عالی در استکهلم و دانشگاه مالمو طی نامه‌هایی به سازمان جوانان کمونیست حمایت کامل خود را از حرکتهای دانشجویان در ایران اعلام کردند و خواستار آزادی فوری همه دستگیر شدگان شدند. در این نامه ها از جمله آمده است:

طبق اطلاعاتی که از سازمان جوانان کمونیست دریافت کردیم، در ایران اعدام و شلاق زدن بیداد میکند اخیرا تعداد زیادی را در اماکن عمومی به دار آویخته اند و زندانها پر از زندانیان سیاسی و دانشجویان دستگیر شده در اعتراضات اخیر است. در ضمن حق داشتن تشکلهای سیاسی، اجتماعی، صنفی و ورزشی امری

صفحه ۳

آزادی، برابری حکومت کارگری!

کجا ایستاده ایم؟

حمید تقوایی



ما یازده سال قبل حزب کمونیست کارگری را تشکیل دادیم. زمانی که این حزب تشکیل شد شاید کمتر کسی فکر میکرد که پس از یازده سال حزب ما موقعیت امروز را داشته باشد. منظور من از موقعیت حزب فقط ابعاد تشکیلاتی آن نیست، مقصودم حتی فقط برنامه و سیاستها و آرمانهای حزب نیست. اینها در جای خود جنبه های مهمی هستند که شاید باید در فرصت دیگری به آن پرداخت. اما اگر فقط در مورد این جنبه ها صحبت کنیم حق مطلب را ادا نکرده ایم. امروز حزب کمونیست کارگری ایران یک واقعیت عظیم اجتماعی است. و برای اینکه ببینیم این حزب چه پدیدهای است و چه نقشی در صحنه نه تنها سیاست ایران بلکه سیاست جهانی دارد، باید از چشم جامعه، از بیرون، از چشم مردم نگاه کنیم و ببینیم این حزب کجا ایستاده است.

بگذارید از ایران شروع کنیم. حزب ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکند. بیست و چهار سال است که جنبش ما، جریانی که امروز در حزب کمونیست کارگری متشکل شده علیه جمهوری اسلامی بی وقفه میجنگد. حزب ما حزبی است علیه ناسیونالیسم، علیه مذهب، علیه فقر، علیه استثمار، و علیه زندان مذهبی که در ایران ساخته اند. حزب ما یک نیروی پیگیر علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است. ممکن است بگوئید که نیروهای اپوزیسیون دیگری هم وجود دارند که سرنگونی طلب هم هستند. بله وجود دارند ولی از جنس دیگری هستند. مشخصه حزب ما در همین چهارچوب ضدیت با جمهوری اسلامی چیست؟ حزب ما ویژگی ای دارد که هیچیک از نیروهای اپوزیسیون و سرنگونی طلب دیگر ندارند.

بنظر من ما مشخصاً سه نوع اپوزیسیون در ایران داریم. یک نوع اپوزیسیون داریم که با جمهوری اسلامی مخالف است، اساساً چون جمهوری اسلامی با آن مخالف است. نیرویی که اگر جمهوری اسلامی به آن اجازه میداد که در قدرت بماند و شریک باشد، مانند بود و دعوی هم نداشت. اگر اعتراض اصلی این نوع اپوزیسیون را نگاه کنید این است که چرا جمهوری اسلامی انحصار طلب است یعنی چرا قدرت را با ما شریک نمیشود. چرا ولایت فقیه نی فهمد که باید خودیهای بیشتری در حکومت باشند. چرا به اسلام نوع امروز، اسلام لیبرال که لب، اسلام دمکراتیک بی توجه است. این اپوزیسیون وقتی به بستن روزنامه ها اعتراض میکند روزنامه های خودش را

چرا با این رژیم مخالفند؟ چون شاه ندارند؟ چون از قدرت افتاده اند؟ چون میخواستند اسلام کمی بهتر بیاورند؟ و یا به گذشته برگردند؟ نه، مردم با این رژیم مخالفند چون آزادی میخواهند، رفاه میخواهند، برابری میخواهند، میخوانند زن در آن جامعه انسان آزادی باشد. میخوانند اعتیاد بر بیافتد. میخوانند پدیدهای مثل کودکان خیابانی وجود خارجی نداشته باشد. میخوانند فحشا نباشد، میخوانند استثمار نباشد، میخوانند کوه ثروت در دست یک اقلیت متمرکز نباشد و اکثریت عظیم جامعه زیر خط فقر زندگی کنند. این اپوزیسیون را حزب کمونیست کارگری ایران نمایندگی میکند. و قبل از اینکه این جنبش سرنگونی که امروز در حال حرکت است شکل بگیرد و در پیشاپیش آن، حزب ما پرچم این آرمانها و اهداف را بلند کرده است.

امروز در ایران دارند میگویند آزادی زندانیان سیاسی، همین امروز به مناسبت ۱۶ آذر در میدان انقلاب و جلوی دانشگاه و خیابانهای اطراف آن تظاهراتی وسیعی در جریان بوده است با شعار آزادی زندانیان سیاسی. در دو هفته اخیر مبارزه دانشجویان را داشتیم با شعار جدایی مذهب از دولت، با شعار آزادی بی قید و شرط بیان و لغو مجازات اعدام. اینها شعارها و خواسته های جامعه است که بر پرچم حزب کمونیست کارگری ایران نوشته شده است. شعارهای حزب ما امروز در خیابانها داده میشود. اگر میخواهید ببینید که موقعیت اجتماعی حزب ما چیست به این واقعیت نگاه کنید. حزبی که شعار آزادی و برابری اش بر سریند دختران دانشجویی که دست در دست پسران در تظاهرات شرکت میکنند نوشته شده است. اینها نه شعارهای اپوزیسیون دوم خرداد است و نه اپوزیسیون سلطنت طلب. این شعارهای حزب ماست که با رژیم بخاطر اختناق و نابرابری و تمام مصائبی که در جامعه وجود آورده است مخالفیم و نه بخاطر اینکه این رژیم لیبرال به لب نیست و اسلام واقعی را خراب کرده. و یا گویا به اندازه کافی آمریکایی نیست و از سیاستهای بانک جهانی پیروی نمیکند. و یا به شاه فحش میدهد و مخالف نظم گذشته است. حزب ما در مقابل کل نظام اجتماعی است که چنین اپوزیسیونی را نیز در کنار جمهوری اسلامی از خود بیرون داده است.

برنامه حزب ما پرچم مبارزه هر روزه مردم بوده است. اگر تاریخ نویسی ده بیست سال بعد تاریخ این دوره، تاریخ جنبش سرنگونی در ایران و تاریخ مبارزات مردم را بنویسد خواهد گفت تنها یک حزب بود که از ابتدا در برابر حکومت اسلامی ایستاده بود. در آن زمانی که همه میگفتند روزنامه ها را میبندید اشکالی ندارد، روزنامه میزان است، متعلق به

لیبرالهای ضد خلق است بگذارید بسته شود، وقتی زنان در خیابان علیه حجاب اعتراض میکردند میگفتند اشکالی ندارد، زنان شمال شهرند. حجاب جزئی از فرهنگ جنوب شهری هاست، مساله زنان جنوب شهر حجاب نیست، مبارزه با آمریکاست، وقتی دیگران این چیزها را میگفتند یک حزب بود که ایستاد و گفت که آزادی بی قید و شرط است، آزادی برای همه مردم است. که همه روزنامه ها باید باز باشند. که زندانی سیاسی نباید داشته باشیم، هر خط و مسلکی که داشته باشد. گفت که برابری بی قید و شرط زن و مرد، حقوق برابر برای همه زنان، در شمال شهر و در جنوب شهر. ما اینها را میگفتیم و به ما حمله میشد. تاریخ نویس بیطرف و ابرکتیوی که بنشیند و تاریخ این دوره را بنویسد میگوید یک حزب بود که وقتی تقریباً همه زیر سایه خمینی و رژیم خمینی جمع شده بودند و او را انقلابی ترین مرد جهان و ضد امپریالیست میدانستند، مقابل این رژیم ایستاد و در همان ابتدا در نوروز ۵۹، وقتی همه داشتند حمایت مشروط و غیر مشروط خود را از رژیم خمینی اعلام میکردند، اعلامیه عیسی ۱۳ مادی خمینی به کارتر را نوشت. آن مردمی که رفتند و از سر توهشان به جمهوری اسلامی رای دادند امروز میدانند که حزبی که آن روز ایستاده بود و میگفت خمینی ارتجاعی است و هر رژیم همانقدر انقلابی است که طرفدار کارگران و مردم باشد و نه آنقدر که به آمریکا فحش میدهد، آن حزب درست میگفته است. این مکان حزب ما در صحنه سیاست ایران است. اما آیا همه حزب همین است؟ اگر کسی حزب ما را در عرصه سیاست ایران توصیف کند هنوز همه حقیقت را نگفته است. در استکهلم چه؟ آنجا که ما در قلب اروپا از حق دختر ۹ ساله دفاع کردیم، آنجا که ما در مقابل قتلهای ناموسی ایستادیم، وقتی در قله تمدن امروز دنیا در کپنهاک و تورنتو و یوتوبوری و لس آنجلس ایستادیم در مقابل ترسیت فرهنگی و گفتیم آدم آدم است، مهم نیست که پدران و مادرانمان چه مذهبی داشته اند و یا شما چه مذهب و فرهنگ و نژادی را به ما نسبت میدهند ما انسانیم و ارزشهای انسانی جهانی اند، یوتوبورسالد. اینها چه؟ اینها را هم باید گفت. ما ایستادیم در برابر همه کسانی که با تر فرهنگ خودشان است جنایتهای ناموسی را توجیه میکردند و بر سر دختر بچه ها حجاب میکشیدند. ایستادیم در برابر آن دنیای سیاهی که بعد از جنگ سرد درست کردند. در برابر ناسیونالیسم، در برابر اسلام سیاسی. ما نه تنها در ایران و اروپا، بلکه در کردستان عراق و در سلیمانیه ایستادیم در برابر

دشمنی ناسیونالیسم کرد با زنان، با کارگران، با آزادیخواهان و با هر کسی که یک زندگی در خور انسان را میخواست. این ها یک جنبش است، یک حزب است، یک مبارزه است. از میروان تا لس آنجلس و از سلیمانیه تا کپنهاک یک حزب در مقابل ارتجاع جهانی ایستاده است، در مقابل ستم بر زن، در مقابل بی حقوقی کودک، در مقابل آوانسهای که به اسلام سیاسی میدهند. اسلام را به فاندائنتالیسم و مدرن تقسیم میکنند، اسلام را خوب و بد میکنند. امروز چه اروپا اگر میخواهد آزادیخواه باشد اگر میخواهد از حرمت انسان دفاع کند باید به حزب ما اقتدا کند.

وقتی ۱۱ سپتامبر میشود حزب ماست که می ایستد در برابر آن یورش عظیمی که به بهانه تروریسم اسلامی به بشریت میشود. این ارتجاع قرن ۲۱ است که در مقابل ارتجاع قرون وسطایی قرار گرفته است و هر دو ضد انسانند. در برابر این ارتجاع حزب ما می ایستد و پرچم دنیای متمن را بلند میکند. وقتی در این متن به حزب نگاه میکنید می بینید که مخالفت این حزب با جمهوری اسلامی و مبارزه آن با رژیم بخاطر حرمتی است که برای انسان در همه جا قائل است. به همان دلیلی که ما در کپنهاک و سلیمانیه در مقابل ارتجاع ایستاده ایم به همان دلیل در تهران و میروان هم ایستاده ایم. دنیا به ایران و غیر ایران تقسیم نمیشود. دنیا به ارتجاع انسانی در برابر ضدیت با انسانیت و آزادی تقسیم میشود، و در این جبهه این مائیم که در پیشاپیش صف دفاع از انسانیت ایستاده ایم.

وظیفه اصلی البته هنوز رویرو ماست، سرنگونی جمهوری اسلامی. ما میخواهیم قدرت سیاسی را بگیریم تا اهداف و برنامه های انسانی ما در یک جامعه هفتاد میلیونی پیاده شود. در اپوزیسیون نمیشود این کار را کرد. قدرت دولتی را باید گرفت تا به قول منصور حکمت در کنگره سوم حزب، تغییرات عمیق و پایدار در زندگی توده های وسیع مردم وجود آورد. ما تغییراتی کوچک در زندگی بخشی از مردم شهرهایی که در آن زندگی میکردیم بوجود آوردیم اما اینها کافی نیست باید قدرت سیاسی را گرفت تا حتی همین پیروزیهای کوچک هم پایدار بماند. ما میرویم که قدرت سیاسی را در ایران بگیریم و این حرکت در ایران شروع شده است. به حرکت مردم که نگاه میکنید این روی آوری به حزب و شعارها و اهداف و سیاستهای ما را می بینید. اما آنچه امروز می بینید تنها نوک قله است، بدنه عظیم کوه هنوز پیدا نیست. اختناق اجازه نمیدهد. رو آوری که الان به سازمان جوانان حزب میشود،

۱۷ شهریور "مردم سالار"؟!؟

از مصطفی صابر



اعتراض مردم علیه رژیم اسلامی رادیکال میشود و به چپ میچرخد. اینرا میشود در شعارها و شیوه های اعتراض مردم دید. (به شماره قبل رجوع کنید) در عزم معلمان برای اعتصاب در اعتراضات کارگری، در تداوم التهاب در دانشگاه دید. میشود در چهره وحشت زده سران رژیم و آشوب درونی آنها دید: در کیهان حسین شریعتمداری که از "پاکسازی" خودی ها، راه انداختن ۳۰ خرداد سخن میگویی و یا در جواب شکوری راد به او که دکمه را از کت جدا میکنند، نه کت را از دکمه!

فشار چرخش به چپ جامعه را همینطور میتوان در حرکات اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی مشاهده کرد. گفتگوی اخیر آقای رضا پهلوی با روزنامه کیهان لندن از این جمله است. در ظاهر ایشان دارد به جمهوری اسلامی پاسخ میدهد. اما هرکسی با شعور متوسط سیاسی متوجه میشود که چه وقت زیادی از نطق نویسان وی صرف شده است تا حکمت شرف صدور سخنان همایونی، یعنی فشار چپ جامعه و خواست آزادی و برابری، پنهان شود. بعوض، بعنوان یک شاهزاده که فعلا ابزار و ملزومات تاج و تخت خویش (یعنی ساواک و قدرت دولتی و استثمار مستقیم نیروی کار ارزان ایرانی) را در دست ندارد، میکوشد بسیار دمکراتیک و با هر معیار شاهانه ای چپگرا جلوه کند. ایشان شاید ابوعطا بخواند، اما سولین دیان نمی شود!

به برابری زن و مرد "قسم میخورد، اما به روی شاهانه نمی آورد که امروز حتی آیت الله صاعنی در همین حد کلی از برابری زن و مرد" سخن میگویی و نعوذ بالله بر نص صریح قرآن مبنی بر ضعیف بودن زن، تفسیرهای فمینیسم اسلامی" میگردد. آقای پهلوی خوب میداند که با جنبش شورانگیز و بنیان کن زنان روبروست که خواست هایش، پیشرفته ترین دستاوردهای تاکتونی بشر را حزب کمونیست کارگری بروشنی اعلام کرده و همین هفته گذشته سازمان آزادی زن" اش را اعلام کرد.

از جدایی دین از دولت" سخن میگویی. اما بارها و بارها در همان مصاحبه قسم وضو دار یاد میکنند، که ایشان قصد ندارد به کیهان دین خللی وارد کند. اینگونه اظهارات در این موج رنسانس ضد دینی در ایران بویژه در دانشگاه و در بین جوانان (بقول نامه یک دانشجو به علی جوادی) مورد تمسخر قرار میگردد. رضا پهلوی شاید انتظار دارد که بخاطر پندش دیر هنگام اینکه مملکت دین رسمی لازم ندارد، از اینکه بالاخره از سنت فحیمه سلسله پهلوی (و البته کل بورژوازی ایران) در حلوا حلوا کردن آن عبارت مخوف دین رسمی ایران اسلام شیعه اثنی عشری است" فاصله میگردد، باید تقدیر شود. اما مردم این تقدیر را تثار کمونیستها و مشخصا حزب کمونیست کارگری خواهند کرد که پرچمدار منحصرا بفرده مبارزه شفاف و آشتی ناپذیر با حکومت مذهبی و از جمله خواست لغو مذهبی رسمی در صحنه سیاست ایران بوده و هست. در مورد مساله کردستان، ایشان ظاهرا میکوشد از شوینسم غلیظ پدران و سنت سیاسی شان، اندکی فاصله بگیرد. شعار مشهور حفظ تمامیت ارضی" که معنی عملی اش لشکر کشی دولت مرکزی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم و ادامه ستم ملی است را فعلا در قلبش قائم میکند تا دم از برخی حقوق محلی و فرهنگی بزند. او که اگر سرش برود حق مردم کردستان برای جدایی را به رسمیت نمی شناسد، البته دارد یاد میگردد که با ناسیونالیست ها و فدرالیست ها و در یک کلام بورژوازی کرد مغالزه کند. به آقای پهلوی توصیه میکنم یک بار دیگر برنامه ما را بدقت بخواند و بحث های ما را در مورد نسخه های شوینستی و فدرالی مرور کند، تا دریابد که ملتهاست جواب هردو سوی پاسخ بورژوایی به مساله کرد را داده ایم. و این ها فقط در کتاب نیست، نیروی عظیمی پشت آن است: کمونیسم کارگری بالنده ای که رهبرانش پیش از آنکه جمهوری اسلامی سرنگون شده باشد" به میان مردم میروند و برای آنها سخنرانی میکنند. شاید دقیقا از وحشت همین است که آقای پهلوی بفکر مغالزه با ناسیونالیست ها افتاده است! و در مورد شعار "رفراند"م، ایشان بالاخره مجبور شده بگوید که رفراندم شان بر خلاف مال دوم خردادی ها برای اصلاح

مایسه جول علیه سنگسار!

شیوا فرهمند

کردم. متوجه شدم که برگزارکنندگان مسابقه، فقط سخنان یک شخص را برای توجیه اقدام خود مورد استفاده قرار دادند. به هر حال خیلی ها با این توجیه به مسابقه بازگشتند.

شیوا: آیا شما همچنان اقدام خود را درست میدانید و فکر میکنید تصمیمتان صحیح بوده است؟

مایسه: بله من فکر میکنم تصمیم من بسیار به جا بوده است و الان بیشتر به درست بودن تصمیم خودم اعتقاد پیدا کردم. کاش بقیه کاندیداها هم در تصمیم خودشان تا آخر پا برجا میماندند.

به عنوان آخرین سوال، چه پیامی برای زنانی که در شرایطی مانند کشور ایران زندگی میکنند که قانون سنگسار در آن جا جاری میشود داری؟

مایسه: من واقعا به شرایط و سرنوشت این زنان زیاد فکر میکنم. باید کار جدی ای در این رابطه صورت گیرد تا این قوانین لغو شود. من با کمیته بین المللی بر علیه سنگسار آشنا شدم و ممکن است در این کمیته فعال شوم تا هدف لغو سنگسار را پیش ببرم.

(برای اطلاعات بیشتر میتوانید به مصاحبه ما با مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار در جوانان کمونیست شماره ۶۵ رجوع کنید.)

از صفحه ۱

دانشجویان سوئد: دستگیر شدگان را آزاد کنید

مطلقا ممنوع برای دانشجویان و جوانان است. آزادی بیان، آزادی نوع لباس پوشیدن و معاشرت آزادانه با یکدیگر جزء حقوق ممنوعه است. در دانشگاهها و بقیه سطوح جامعه در ایران آپارتاید جنسی حاکم است و دختران دانشجو به خاطر جنسیتشان به طور دائم کنترل و سرکوب میشوند. همچنین از طریق سازمان جوانان کمونیست مطلع شدیم که اخیرا هزاران دانشجو در ایران در اعتراض به این قوانین و برای لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی تظاهرات و اجتماع کرده اند. ما قویا از مبارزات دانشجویان در ایران حمایت کرده، نقض آشکار حقوق بشر در ایران را محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری تمام دستگیر شدگان هستیم.

مایسه جول یک دختر جوان دانمارکی است که بر علیه یکی از وحشیانه ترین روش مجازات یعنی مجازات اسلامی سنگسار به پا خاسته است. او ملکه زیبایی (دختر شایسته) امسال دانمارک بود. او نفرت و ازجار خود را از سنگسار را با تحریم مسابقه ملکه زیبایی جهان که قرار بود در نیجریه (کشوری که آمنه لوال در آنجا منتظر اجرای حکم سنگسار است) برگزار شود، نشان داد. متأسفانه نیجریه تنها کشوری نیست که قانون سنگسار در آنجا وجود دارد. به جز نیجریه چندین کشور دیگر هستند که این قانون وحشیانه و فاشیستی در آنجا اجرا میشود.

من مانند بسیاری از مردم دنیا وقتی شنیدم که ملکه زیبایی دانمارک مسابقه ملکه زیبایی جهان در نیجریه را در اعتراض به قانون سنگسار تحریم کرده است، خوشحال شدم. با ملکه زیبایی تماس گرفتم و با هم به گفتگو پرداختیم. ابتدا در باره اقدام تحسین برانگیز او در تحریم مسابقه ملکه زیبایی از او پرسیدم و اینکه چه چیزی موجب شد تا چنین تصمیمی بگیرد؟

مایسه گفت: من فکر میکنم این چیزی که در نیجریه اتفاق میافتد بسیار وحشتناک و غیرانسانی است. بخصوص وقتی شنیدم که یک زن حامله را به سنگسار محکوم کردند. من نمیتوانستم شاهد چنین عملی باشم. تصمیم من در درجه اول به همین احساس تنفر و ازجاری که در من نسبت به عمل وحشیانه سنگسار وجود دارد متکی است.

شیوا: عکس العمل جامعه در مقابل تصمیم شما چگونه بود؟

مایسه: در ابتدا من و چند کاندید دیگر از کشورهای اروپایی که آنها نیز تحریم کرده بودند با تشویق و تحسین از طرف جامعه روبرو شدیم. اما وقتی رژیم نیجریه اعلام کرد که حکم سنگسار آمنه لوال را لغو میکند، برخی از تحریم کنندگان اعلام کردند که در مسابقه شرکت میکنند و دوباره ثبت نام کردند. نکته با اهمیت که در تصمیم این دسته نقش داشت این بود که برگزارکنندگان مراسم مسابقه با همه تحریم کنندگان تماس گرفتند و به آنها گفتند که هم امنیستی و هم پارلمان اروپا فراخوان داده اند که از تحریم مسابقه اجتناب کنند. اما من نمیتوانستم این خبر را باور کنم برای همین تلفن را برداشتم و از نزدیک مسئله را جستجو



از صفحه ۲

کجا ایستاده ایم؟

استقبالی که از سازمان آزادی زن هنوز مرکب بیانیهاش خشک نشده میشود، استقبالی که امروز از رادیو و تلویزیون حزب میشود، همه نشان میدهد که این کوه عظیم در جامعه شکل گرفته است. طوفان عظیمی در راه است. ما هنوز پیشقراولان را می بینیم.

نمیشود این سخنرانی را به پایان برد و سالگرد حزب را گرامی داشت بی آنکه از کسی سخن بگوئیم که این کوه عظیم بر روی دوش او ساخته شده است. کسی که امروز در میان ما نیست، منصور حکمت. این حزب منصور حکمت است و او بود که این افق را داشت، این چشم انداز را داشت و میدید که این حزب به کجا میرود و به کجا باید برود. اگر حزب ما امروز این موقعیت را دارد بخاطر ژرف اندیشی و روشن بینی و رادیکالیسم و انساندوستی است که منصور حکمت داشت و در کمتر کسی شما میتوانی سراغ کنید. این حزب اگر موفق و پیشرو است بخاطر آن است که حزب منصور حکمت است و ما به این افتخار میکنیم. تا وقتی که به این حزب نگاه میکنند و چهره دوست داشتنی منصور حکمت را در آن می بینند این حزب مستحکم و پیروزمند به پیش خواهد رفت.

زنده باد منصور حکمت!

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران! این نوشته بخش هایی از سخنرانی حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در یازدهمین سالگرد حزب در شهر گوتنبرگ سوئد، است. متن کامل این سخنرانی قبلا در سایت روزنه به چاپ رسیده است.



نامه های شما

بهرام مدرسی

برایمان نظرات و پیشنهاداتتان را بنویسید. هیچ نامی بی جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانید از آدرسهای پستی و شمانتلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل bahram-modarresi@web.de استفاده کنید.

نامه های رسیده طی هفته گذشته

- دوست عزیز حامد راد از تهران، با تشکر از اظهار نظر درباره تعداد صفحات نشریه. برای ما سوال اینست که با زیاد شدن تعداد صفحات نشریه مشکلی برای توزیع وسیع نشریه در ایران پیش نخواهد آمد؟ در رابطه با سولاتان ما امکان محدودی برای اختصاص صفحات نشریه به سولات مطرح شده داریم. تلاش ما این است که به سولاتی که از طرف تعداد هر چه بیشتری از خوانندگان نشریه طرح شدهاند جواب دهیم. جواب سولاتی که در نشریه نیامدهاند را مستقلا برای دوستانی که سوال کردهاند خواهیم فرستاد. همینطور در رابطه با اشتباهات چاپی که گاه در نشریه پیش آمده حق با شماست. تلاش خودمان را خواهیم کرد. باز هم برایمان بنویس.

- دوست عزیز نرسی از کرمانشاه، سعی کنید که سازمان جوانان کمونیست و برنامه یک دنیای بهتر را در همه سایتهای فارسی زبان منظمآ بیابید. ما طبعاً این کار را میکنیم اما شما و یا سایر خوانندگان نیز میتوانید با

ابتکارات خود تاثیر گذار باشید.

در رابطه با سولات در مورد شوری سابق و مسئله لغو مالکیت خصوصی باید بگویم که، اتفاقی که در شوری افتاد برقراری مالکیت دولتی بود، نه الغاء مالکیت بورژوازی و الغاء بردگی مزدی. در آنجا سرمایه و نیروهای تولید از مالکیت افراد خارج شد و به مالکیت دولت در آمد. در واقع این رابطه انسان کار کن با وسایل تولید نبود که تغییر کرد، بلکه رابطه یک بخش از صاحبان سرمایه با بخش دیگر آن بود. کارگر و انسان کار کن در آن جامعه رابطش با نیروهای مولد تغییری نکرد، صاحب کار جایش با کس دیگری عوض شد. قساوتی که حکومت استالین برای این امر بکار برد را از همین جا نه میتوان و نه باید به حساب سوسیالیسم و مالکیت اشتراکی گذاشت. این جایگزینی مالکیت آزاد" سرمایه داران با مالکیت دولتی" سرمایه بود. اتفاقی که افتاد برقراری مالکیت اشتراکی انسانها بر وسایل تولید نبود، تغییر رابطه کارگر با وسایل تولید نبود، بلکه تبدیل مالکیت خصوصی افراد با مالکیت دولتی بود. استالینیزم" بعنوان یکی از نمایندگان این مالکیت دولتی، همان قساوتی را در اجرای امرش بکار برد که رسم دولتهای سرمایه داری و سرمایه داران است. اینرا نباید به حساب سوسیالیسم گذاشت؛ در تبلیغات بلوک شرق سابق و در بسیاری از متونی که همین امروز بعنوان توضیح سوسیالیسم و یا نقد آن دیده میشود، برقراری مالکیت دولتی برابر با سوسیالیسم نامیده میشود و صحبتی از لغو کار مزدی نیست. وجود کار مزدی بیانگر نوع رابطه کارگر با وسایل تولید است، بنابراین هر کسی که میخواهد مالک این وسایل باشد، فرقی

در سرمایه داری بودن آن نظام نمیدهد. در این رابطه میتوانی به نوشته های منصور حکمت در نشریه بسوی سوسیالیسم" که در سایت منصور حکمت قابل دسترس است رجوع کنی. ممنون از نامعات و باز هم برایمان بنویس.

- دوست عزیز امید حدابخشی، مقاله شما درباره تجاوز جنسی در ایران" به دستمان رسید. میکوشیم از آن استفاده کنیم. لطفاً برای تسهیل کار ما سعی کنید که مقالاتتان را حداقلامکان با فرمات واژه نگار برای ما بفرستید. با تشکر و بازهم برایمان بنویسید.

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال، از روز ۴ آبان برابر با ۲۷ اکتبر، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش میشود.

همینطور ساعت پخش رادیو، مجدداً ساعت ۹ شب به وقت تهران خواهد بود.

Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045-51802610
0044 776 110 66 83
00491711547661
0046736508040
001 416 69 80 358
0090552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01
001- 416 434 15 45
fax:001 416 434 1545

جوانان کمونیست: javanane-komunist@web.de

دانمارک: شیوا فرمند
انگلستان: سرور ملائکه
آلمان: امید چوری
سوئد: آزاد خدری
کانادا: مهدی شهابی
ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Javanan
Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

jjavanane-komunist@web.de

www.jawanane.org

از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanane.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.childrenfirstinternational.org